

بررسى تاثير به کارگيرى استراتژى ارتباطى Teach Back بر ارتقاء ابعاد نگرشى

بیماران ديابتى نوع ۲

مزگان جوکار^۱، خدايار عشوندى^۲، زهرا سيفى^۳، **سمیه پاکى***^۴

۱. مربى، کارشناسى ارشد پرستارى (گرايش داخلى - جراحى)، دانشکده پرستارى و مامايى دانشگاه علوم پزشکى اصفهان، اصفهان، ايران
۲. استاديار، دانشگاه علوم پزشکى همدان، عضو مرکز تحقيقات مراقبت مادر و نوزاد دانشگاه علوم پزشکى همدان، همدان، ايران
۳. مربى، کارشناسى ارشد پرستارى (گرايش داخلى - جراحى)، دانشکده پرستارى و مامايى دانشگاه علوم پزشکى لارستان، لارستان، ايران
۴. مربى، کارشناسى ارشد پرستارى (گرايش سلامت جامعه)، گروه پرستارى سلامت جامعه دانشکده پرستارى و مامايى دانشگاه علوم پزشکى اصفهان، اصفهان، ايران

نويسنده مسئول: سميۀ پاکى، دانشگاه علوم پزشکى اصفهان Somayeh.paki@nm.mui.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: با توجه به مزمن بودن بيمارى ديابت و مواجه شدن فرد مبتلا با شرايط و مشکلات روزانه در امر مراقبت تقويت نگرش بيماران ديابتى بسيار با اهميت مى باشد. لذا هدف اين مطالعه بررسى تاثير به کارگيرى استراتژى ارتباطى Teach Back بر ارتقاء ابعاد نگرشى بيماران ديابتى نوع ۲ بود.

مواد و روش ها: اين مطالعه از نوع کار آزمائى بالينى بود که بر روى ۷۰ نفر از بيماران ديابتى نوع دو انجام شد. شرکت کنندگان به صورت تصادفى به دو گروه آزمون و کنترل (هر کدام ۳۵ نفر) تقسيم شدند و برنامه آموزشى طبق روش Teach Back در ۴ جلسه براى گروه آزمون انجام شد. داده هاى مربوط به يک ماه قبل و يک ماه پس از اتمام مداخله با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و خود گزارش دهى جمع آورى و جهت تحليل داده ها از آزمون هاى کاي دو، تي زوجى و مستقل و SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

يافته ها: يافته ها نشان داد که نگرش کلى هر دو گروه آزمون و کنترل در مرحله دوم اندازه گيرى افزايش معنى دارى داشته است. علاوه بر اين آزمون تي مستقل تفاوت معنادارى را در نگرش کلى قبل از مداخله، در بيماران گروه آزمون و کنترل نشان نداد ($P > 0.05$). در حالى که همين آزمون بيان گر تفاوت معنى دار نگرش کلى بعد از مداخله، بين بيماران گروه آزمون و کنترل بود ($P < 0.05$).

بحث و نتيجه گيرى: با توجه به اينکه ارتباط هدفمند بيمار و پرستار از مباحث اصلى و حرفه اى پرستارى است مى توان گفت به کارگيرى روش هاى ارتباطى بيمار محور مى تواند با ارتقاء نگرش بيماران و پيامد هاى مثبت مراقبتى همراه باشد.

کلید واژه ها: ديابت نوع دو، خود مراقبتى، Teach Back

Access This Article Online

Quick Response Code:

Website: www.zbmu.ac.ir/jdn

How to site this article:

Jokar M, Oshvandi K, Seifi Z, Paki S. The Effect of Teach-back Communication Strategy on Improving Attitude Components of Type II Diabetic Patients: A Clinical Trial Study. J Diabetes Nurs. 2016; 4 (4) :30-42

تاريخ دريافت: ۹۵/۶/۱۵

تاريخ پذيرش: ۹۵/۹/۱۶



مقدمه و هدف

روش ها و امکانات آموزشی مختلف و تغییر آن با توجه به بازخورد گرفته شده از بیمار در طی چند مرحله، امکان تلفیق آموزش های اصولی با تجارب بیمار به صورت مستقیم، ایجاد فرصتی برای بهبود و ارتقاء آموخته ها در کنار مراقبین بهداشتی هم چنین در نظر گرفتن سطح سواد بهداشتی بیماران بر ابعاد نگرشی بیماران دیابتی نوع ۲ مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش ها

این مطالعه یک کارآزمایی بالینی از نوع پیش آزمون، پس آزمون با گروه کنترل بود که در بیمارستان شهید بهشتی همدان با شرکت ۷۰ نفر از بیماران دیابتی نوع دو (پس از کسب تأییدیه اخلاقی) انجام شد. حجم نمونه با اعتماد ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد و بر اساس مطالعات انجام شده (۷) محاسبه گردید. با استفاده از نمونه گیری در دسترس، و بر اساس معیارهای ورود (برای اولین بار تحت درمان با انسولین قرار گرفته و با توجه به فرم نیاز سنجی اورم نیاز به مداخله ی پرستاری حداقل در ۳ مورد از نیازهای خود مراقبتی داشته اند) و معیارهای خروج (وجود سابقه ی بیماریهای از قبیل سکته مغزی، سکته قلبی و تومورهای بدخیم، مصرف مواد روان گردان، اختلالات گفتاری و شنوایی)، و پس از توضیحات کلی در مورد مطالعه و اخذ رضایت نامه کتبی آگاهانه از بیماران جهت شرکت در پژوهش؛ افراد مورد مطالعه به دو گروه آزمون ($n=35$) و کنترل ($n=35$) تقسیم شدند. پس از تصویب طرح در معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی همدان و کسب مجوزهای لازم از دانشگاه و کمیته اخلاق، نمونه گیری انجام شد. جهت جداسازی بیماران دو گروه از یکدیگر و پیشگیری از نشست داده ها ابتدا افراد گروه آزمون انتخاب شدند و هر بیماری که تازه بستری می شد و معیارهای ورود به مطالعه را داشت وارد گروه آزمون می شد تا زمانی که حجم مورد نظر (۳۵ نفر) انتخاب شد. سپس به همین ترتیب افراد گروه کنترل انتخاب شدند.

با توجه به شیوع بیماری دیابت و هزینه هایی که این بیماری بر سیستم بهداشتی و درمانی تحمیل می نماید، کنترل بیماری دیابت و پیشگیری از عوارض ناتوان کننده آن و کنترل قند خون و تلاش برای حفظ آن در محدوده ی مطلوب به عنوان یک ضرورت الزامی است (۱). در همین راستا یکی از راه های دسترسی به این هدف انجام رفتارهای خود مراقبتی توسط بیمار می باشد (۲-۳). اگرچه در فرایندهای خود مراقبتی و خود مدیریتی بیماری های مزمن بیماران علاوه بر درک موقعیت خود باید آگاهی و مهارت های اولیه و پایه ی مورد نیاز راداشته باشند، اما داشتن اطلاعات و آگاهی به تنهایی برای انجام رفتارهای مراقبت از خود کافی نیست، بلکه طرز تفکر و نگرش در مورد یک بیماری عامل مهمی در انجام دادن یا ندادن یک اقدام محسوب می شود و این نگرش و تفکرات است که منجر به بروز عمل می شود (۴). چنان که در مطالعه ای که توسط گاگلیاردینو (Gagliardino) در ارتباط با تأثیر آموزش بر ارتقاء نگرش بیماران نسبت به بیماری انجام شد نتایج نشان داد که آموزش با ارتقاء نگرش بیماران، باعث ارتقاء کیفیت زندگی بیماران دیابتی شده است (۵). لذا ارتقاء نگرش یکی از عوامل مهم در ارتقای خود مراقبتی است که با توجه به مزمن بودن بیماری دیابت و مواجه شدن روزانه بیمار با شرایط و مشکلات مربوط به مراقبت از آن با اهمیت بوده و نشان دهنده ی رسیدن به هدف توانمند سازی بیماران در امر اجرایی رفتارهای خود مراقبتی در بیماران دیابتی می باشد (۶). بنابراین در این مطالعه نیز سعی شده تا تاثیر به کارگیری روش TB (حلقه ی بسته) به عنوان یک روش تعاملی - آموزشی بیمار محور با تمرکز بر ویژگی های مطلوب از جمله راهکاری جهت حذف فاصله ی ارتباطی بیمار و مراقبین بهداشتی (که پیامد های منفی در روند بهبود و کنترل بیماری ها دارد)، محور قرار دادن بیمار و توانایی آن، امکان استفاده از



روش و مراحل مداخله

روی منظم، نکات قبل از انجام ورزش در افراد دیابتی) و هم مباحث عملی مانند کنترل قند خون، نحوه تزریق انسولین بود. «برنامه خود مراقبتی کلی» تدوین شده با توجه به نیازهای خودمراقبتی هر آزمودنی که از مرحله ی نیازسنجی استخراج شده بود، تبدیل به «برنامه ی خود مراقبتی تعدیل شده» گردید.

۴- مرحله ی چهارم شامل اجرای برنامه خود مراقبتی تعدیل شده بود که طی چهار جلسه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه ای تدریس شد. در جلسه ی اول بیماران در مورد دیابت، انواع و عوارض آن آموزش می دیدند. جلسه ی دوم در مورد ورزش و تاثیر آن بر دیابت و هم چنین مهارت های تغذیه ای، در جلسه ی سوم در مورد داروها و رژیم دارویی و چگونگی مراقبت از پاها و آزمایشات مربوط به دیابت و در جلسه ی آخر در مورد مهارت هایی چون چگونگی تزریق انسولین و نحوه ی کار با دستگاه های کنترل قند خون آموزش دریافت می کردند. آموزش خود مراقبتی به صورت انفرادی و چهره به چهره و به کمک تجهیزات کمک آموزشی چون فلیپ چارت، فیلم- های آموزشی، مولاژ و ماکت های آموزشی نظری و عملی صورت می گرفت. در آموزش مباحث عملی پس از دیدن فیلم آموزشی و تاکید روی موارد کلیدی، آموزش دهنده بر روی ماکت نکات آموزشی را به بیمار انتقال می داد، سپس بیمار همان عمل را روی ماکت انجام می داد. آموزش عملی به صورت واقعی بر روی بیمار، توسط خود فرد نیز صورت پذیرفت. لازم به ذکر است که مهارت های عملی علاوه بر اینکه بر ماکت صورت می گرفت، به صورت واقعی بر بالین بیمار نیز انجام می شد. جهت حمایت بیشتر در فواصل بین جلسات نیز از طریق تلفن و حضور در مرکز آموزشی پیگیری گروه تجربه توسط پژوهشگر صورت می پذیرفت. هم چنین در پایان جلسات آموزشی دفترچه های آموزشی دیابت در اختیار بیماران گروه آزمون قرار می گرفت. آموزش در هر جلسه براساس روش TB صورت می پذیرفت که خود شامل (مرحله پیش آزمون، هدف گذاری، اجرای فرایند آموزش، ارزشیابی و تصمیم گیری جهت تکرار مراحل فوق

۱- مرحله ی اول: بررسی و شناخت نیازهای خودمراقبتی که توسط فرم بررسی پرستاری براساس الگوی اورم، پرسشنامه آگاهی، نگرش و رفتارهای خود مراقبتی افراد مبتلا به دیابت انجام گردید. پرسشنامه نیازسنجی براساس چهارچوب طراحی شده فرم نیازسنجی که اورم توسط معماریان (۹) طراحی شده است و شامل سوالاتی در شش حیطه ی اطلاعات فردی، اطلاعات مربوط به بیماری، تاریخچه بیماری های قبلی، نیازهای مراقبت از خود همگانی، الگوهای معمول بهداشتی و نیاز انحراف از سلامت می باشد.

۲- مرحله ی دوم شامل تعیین نیازهای خودمراقبتی و تعیین اهداف خودمراقبتی براساس نیازهای خودمراقبتی بود. در کل برای تمامی مباحث آموزشی ۱۰۵ هدف تعیین شده بود، برای جلسه ی اول ۳۸ هدف، جلسه ی دوم ۲۳ هدف، جلسه ی سوم ۲۳ هدف، جلسه ی چهارم ۲۱ هدف که با توجه به هر بیمار و نیاز آنها اهداف تعدیل می گردید. ۳- مرحله ی سوم شامل برنامه ریزی سیستم آموزشی- حمایتی (مبتنی بر الگوی پرستاری اورم) جهت ارائه مراقبت پرستاری بر اساس نیازهای آموزشی بیماران دیابتی نوع ۲ براساس مطالعات متون علمی و استانداردهای مراقبت های پرستاری تدوین گردید (۱۰). «برنامه خود مراقبتی کلی» تدوین شده در برگیرنده ی مطالب آموزشی- حمایتی بود که هم در برگیرنده مباحث تئوری (تعریف بیماری دیابت و انواع آن، آموزش در زمینه ی چگونگی انجام آزمایشات، چگونگی کنترل عوارض زودرس مانند هیپوگلیسمی و هیپرگلیسمی و عوارض دیررس دیابت مانند رتینوپاتی، نفروپاتی، نروپاتی عوارض قلبی عروقی، مراقبت از پاها، رعایت رژیم غذایی مناسب مانند نوع غذای مصرفی، تعدیل وزن، رعایت رژیم دارویی مانند زمان و مقدار صحیح استفاده از داروهای کاهنده ی قند خون، نحوه ی تزریق انسولین و کنترل قند خون، آموزش تغییرات لازم در سبک زندگی چون ترک سیگار و چگونگی تحرک فیزیکی مانند پیاده



لیست‌های مشاهده‌ای مهارت سنجش می‌شد. در صورتی که پاسخ فرد نشان دهنده عدم دستیابی به اهداف رفتاری تعیین شده برای وی بود، TB وارد مرحله بعدی می‌شد. مرحله بعدی TB شامل تصمیم‌گیری جهت تکرار مراحل فوق براساس یادگیری بیمار و اهداف آموزشی تدوین شده بود. در این مرحله آموزش با توجه به آنچه که بیمار بیان نکرده یا نشان نداده است، دوباره تکرار می‌شد. تمام مراحل در هر جلسه تکرار می‌شد. ضمناً در هر جلسه، قبل از شروع آموزش با استفاده از سؤالات باز و چک لیست‌های مربوط به جلسه‌ی قبل، مطالب آموزشی قبلی به صورت مختصر توسط فرد آموزش دهنده و بیمار مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت لزوم با تمرکز بر نکات مهم، مرور آگاهی و مهارت عملکردی مورد نظر انجام می‌پذیرفت.

۵- مرحله‌ی پنجم ارزشیابی براساس پرسشنامه‌های آگاهی و نگرش افراد مبتلا به دیابت مجدد انجام گردید. لازم به ذکر است که آموزش عملی به صورت واقعی بر روی بیمار، توسط خود فرد نیز در طی مدت بستری انجام شد. به منظور هدایت و حمایت بیشتر، در فواصل بین جلسات و بعد از ترخیص نیز پیگیری گروه آزمون توسط پژوهشگر از طریق حضور در مرکز آموزشی، تماس تلفنی، دادن کتابچه‌های آموزشی انجام گردید. افراد گروه کنترل تحت آموزش معمول قرار داشتند که عبارت بود از ۲۰ دقیقه آموزش در مورد نحوه‌ی تزریق انسولین، عوارض زودرس دیابت، زمان‌های کنترل قند خون، توسط پرستاران و ۱۵-۲۰ دقیقه مشاوره‌ی تغذیه‌ای توسط کارشناس تغذیه به همراه ارایه یک پمفلت آموزشی قبل از ترخیص به بیماران داده می‌شد. بعد از انجام پس آزمون و جمع‌آوری داده‌ها به تمامی افراد گروه کنترل کتابچه‌ی و سی‌دی آموزشی تدوین شده داده شد هم‌چنین ۲ جلسه‌ی آموزشی نیز برای این گروه در کلاس آموزشی بخش غدد بیمارستان برگزار گردید. آگاهی با استفاده از پرسشنامه‌ی خود ساخته‌ی محمودی (۱۱) سنجش گردید که شامل ۲۴ سوال با گزینه‌های بله، خیر و نمی‌دانم می‌باشد. نحوه نمره دهی بدین صورت بود

براساس یادگیری بیمار و اهداف آموزشی تدوین شده) بود. مرحله پیش آزمون TB از سؤالات باز براساس اهداف هر جلسه و چک لیست‌های مشاهده مهارت خود مراقبتی (تزریق انسولین و کار با گلوکومتر) استفاده گردید. چک لیست مشاهده‌ای مهارت تزریق انسولین شامل: مراحل آماده کردن تجهیزات لازم، شستن دستها، کشیدن صحیح دوز مناسب، انتخاب مکان صحیح، تزریق صحیح و خارج سازی سرنگ و دفع صحیح آن بود. چک لیست مشاهده‌ای مهارت کنترل قند خون نیز شامل مراحل آماده کردن تجهیزات لازم، شستن دستها، نحوه‌ی راه اندازی گلوکومتر، آماده کردن نوار و قلم انسولین، انتخاب مکان صحیح، گرفتن نمونه صحیح، درست خواندن و یادداشت کردن میزان قند خون و تمیز سازی دستگاه بود. پژوهشگر در این مرحله از TB برای هر بیمار وضعیت موجود نیازهای خودمراقبتی و میزان نیاز به آموزش نظری عملی را مشخص می‌کرد. مدت زمان این مرحله ۱۰ دقیقه طول می‌کشید. به طور مثال یکی از اهداف تعیین شده در آموزش تئوری در جلسه‌ی اول این بود که مددجو بتواند علائم افزایش قند خون را نام ببرد. اگر از بیمار در مرحله‌ی پیش آزمون TB با استفاده از سؤال باز طراحی شده که در راستای اهداف تعیین شده در مرحله‌ی دوم می‌باشد سؤال شود که: (چگونه متوجه بالا رفتن قند خون خود می‌شوید؟) در صورتی که بیمار در بین گفته‌های خود به علائم هایپرگلیسمی اشاره نکرد مرحله‌ی دوم TB صورت می‌پذیرد. در مرحله هدف گذاری TB، برای هر بیمار، براساس پیش آزمون، اهداف رفتاری در حیطه‌های شناختی و روانی- حرکتی برای هر جلسه تعیین می‌شد. مثلاً بیمار بتواند حداقل ۳ مورد از مهم ترین علائم افزایش قند خون را بشناسد و یا در آموزش عملی، بیمار بتواند به مدت ۲ دقیقه یک تزریق با دوز صحیح (۶ واحد) در مکان صحیح (شکم) بر روی ماکت را نشان دهد. در مرحله ارزشیابی TB پس از آموزش، با استفاده از سؤالات باز طراحی شده از بیمار بازخورد گرفته شد و میزان مهارت فرد با همان چک



علاوه بر این مجدداً روایی محتوا پرسشنامه از نظر مناسبت، شفافیت و جامعیت با استفاده از نظرات ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، یک پزشک فوق تخصص غدد و یک متخصص تغذیه تایید گردید. پایایی پرسشنامه آگاهی و نگرش افراد دیابتی به ترتیب ۰/۸۴۴ و ۰/۷ کرونباخ بر آورد گردید. تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و از میانگین، واریانس، نسبت و جداول توزیع فراوانی برای توصیف داده‌ها و از آنالیز کو واریانس برای مقایسه‌ی اثر آموزش در دو گروه با رویکرد تعدیل آگاهی اولیه افراد و هم چنین از آزمون تی زوجی برای مقایسه‌ی آزمون افزایش یا کاهش آگاهی و نگرش افراد قبل و بعد از مداخله، هم چنین از آزمون تی مستقل جهت مقایسه نگرش بیماران دیابتی قبل و بعد دو گروه استفاده شده است. به منظور پیشگیری از تورش در مطالعه کلیه پرسشنامه‌های توسط فرد دیگری که از گروه بندی آزمودنی‌ها بی اطلاع بود به کامپیوتر وارد گردید. سطح معنی داری آزمون‌ها کمتر از ۵ درصد در نظر گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کای دو، تی زوجی و مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ بیانگر مشخصات دموگرافیک شرکت کنندگان در دو گروه آزمون و کنترل می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون کای دو در این جدول نشان می‌دهد که دو گروه مطالعه از نظر اطلاعات فردی یکسان می‌باشند ($p > 0/05$).

که در صورت پاسخ صحیح شرکت کننده امتیاز یک و در صورت پاسخ نادرست و نمی‌دانم نمره صفر محاسبه می‌شود. در مجموع دامنه نمرات بین صفر الی ۲۴ قرار می‌گیرد. نگرش بیماران نیز با پرسشنامه نگرش نسبت به بیماری دیابت براساس پرسشنامه‌ی ایرانی نگرش دیابت که توسط مهجوری و همکارانش (۱۳۹۰) روا و پایا (۰/۷۸) شد (۱۲) ارزیابی شده است. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است و شامل پنج زیر مقیاس نیاز به تعلیمات یا آموزش ویژه (۵ سوال)، شدت و جدی بودن ابتلا به دیابت (۷ سوال)، ارزش کنترل شدید (۷ سوال)، تاثیر روانی-اجتماعی دیابت (۶ سوال) و خود مختاری بیمار (۸ سوال) می‌باشد. طبق راهنمای این پرسشنامه در صورتی که ۱۵ درصد آیتم‌ها (۴ سوال یا بیشتر)، بی‌جواب گذاشته شده باشند، پرسشنامه بی‌اعتبار و غیرقابل تفسیر است. نحوه نمره دهی بدین صورت انجام می‌گیرد: کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲، کاملاً مخالفم = ۱. سوالات شماره ۲، ۳، ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۳، ۲۶، ۲۸ برعکس نمره‌گذاری می‌شوند (کاملاً موافقم = ۱ تا کاملاً مخالفم = ۵). نمره هر زیرمقیاس از جمع نمرات سوالات همان زیرمقیاس تقسیم بر تعداد آیتم‌های پاسخ داده شده به دست می‌آید. پرسشنامه‌ی آگاهی و نگرش افراد دیابتی قبل و یک ماه بعد از مداخله در گروه آزمون و کنترل، از طریق مصاحبه و خود گزارش دهی در درمانگاه بیمارستان شهید بهشتی همدان تکمیل شد. روایی و پایایی پرسشنامه‌ی آگاهی توسط محمودی (۱۱) و نگرش توسط مهجوری سنجیده شده بود.



جدول ۱: مقایسه برخی از خصوصیات دموگرافیک شرکت کنندگان در گروه آزمون و گروه کنترل

نتایج	گروه کنترل [n (%)]	گروه آزمون [n (%)]	گروه مطالعه خصوصیات	
$\chi^2=0.72$ $P=0.788$	۱۰(۲۸/۶)	۹(۲۵/۷)	مرد	عمومی
	۲۵(۷۱/۴)	۲۶(۷۴/۳)	زن	
$\chi^2=1.80$ $P=0.771$	۱۹(۳/۵۴)	۲۱(۶۰)	بله	تحصیلات
	۱۶(۷/۴۵)	۱۴(۴۰)	خیر	
$\chi^2=0.00$ $P=1.00$	۱۰(۲۸/۶)	۱۰(۲۸/۶)	شاغل	شغل
	۲۵(۷۱/۴)	۲۵(۷۱/۴)	بیکار	
$\chi^2=0.864$ $P=0.834$	۹(۲۵/۷)	۶(۱۷/۲)	مجرد	وضعیت تأهل
	۲۶(۴۷/۲)	۲۹(۸۲/۹)	متاهل	
$\chi^2=5.97$ $P=0.113$	۴(۱۱/۴)	۱(۲/۹)	۳۰۰۰۰۰<	درآمد خانواده
	۱۵(۴۲/۲)	۱۳(۳۷/۱)	۶۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰	
	۱۶(۴۵/۷)	۱۷(۴۸/۶)	۹۰۰۰۰۰-۶۰۰۰۰۰	
	--	۴(۱۱/۴)	>۹۰۰۰۰۰	
$\chi^2=1.93$ $P=0.164$	۳۱(۸۸/۶)	۳۴(۹۷/۱)	بله	سابقه خانوادگی دیابت
	۴(۱۱/۴)	۱(۲/۹)	خیر	
$\chi^2=0.00$ $P=1.00$	۵(۱۴/۳)	۵(۱۴/۳)	سابقه مصرف دخانیات	
$T=0.329$ $P=0.934$	SD±Mean	SD±Mean	سابقه دیابت (سال)	
	۶/۵۴±۴/۴۴	۶/۴۵±۴/۱۹		
$T=0.207$ $P=0.263$	۵۶/۶۵±۱۱/۴	۵۷/۵۱±۹/۷	میانگین سنی (سال)	



جدول ۲: مقایسه نمره آگاهی و نگرش قبل و بعد از مداخله در گروه آزمون و گروه کنترل

Reduced variance test P-Value		گروه کنترل SD±Mean	گروه مداخله SD±Mean	Self-care behavior
P<۰/۰۰۱		۱۱/۰۰±۵/۰۴	۸/۵۴±۴/۵۶	آگاهی بیماران قبل از مداخله
		۱۳/۴۸±۳/۱۹	۱۷/۹۷±۲/۶۷	بعد از مداخله
		P<۰/۰۰۱	P<۰/۰۰۱	Test T
P-Value	Independent t-tests			نیاز آموزشی
P=۰/۰۱۲	T=۲/۵۶	۳/۸۲±۰/۵۰	۴/۱۲±۰/۴۵	قبل از مداخله
P=۰/۰۰۳	T=۳/۰۹			بعد از مداخله
		P<۰/۰۰۱	P=۰/۰۰۹	Test T
P=۱/۰۰	T=۰	۳/۱۲±۰/۲۴	۳/۱۲±۰/۲۹	شدت و جدی بودن خطر قبل از مداخله
P=۰/۲۳۱	T=۱/۲۵	۳/۰۸±۰/۲۲	۳/۱۷۸±۰/۲۴	بعد از مداخله
		P=۰/۳۲۴	P=۰/۳۶۴	Test T
P=۰/۰۰۱	T=۳/۳۴	۳/۱۶±۰/۳۷	۳/۴۸±۰/۴۳	میزان قند خون قبل از مداخله
P<۰/۰۰۱	T=۷/۱۵	۳/۳۲±۰/۳۷	۳/۹۴±۰/۳۵	بعد از مداخله
		P<۰/۰۰۳	P<۰/۰۰۱	Test T
۰/۲۱۸P=	۱/۳۴T=	۳/۴۳±۰/۴۶	۳/۵۶±۰/۳۹	تاثیر روانی اجتماعی دیابت قبل از مداخله
=۰/۰۰۳P	=۳/۰۳T	۳/۶۹±۰/۵۱	۳/۳۵±۰/۴۰	بعد از مداخله
		P=۰/۰۰۱	P=۰/۰۰۹	Test T
۰/۳۲۲P=	=۰/۹۹۸T	۳/۵۱±۰/۹۲	۳/۳۴±۰/۳۵	خود مدیریتی دیابت: قبل از مداخله
=۰/۱۰۹P	۷/۱۵T=	۳/۴۸±۰/۳۸	۳/۳۵±۰/۴۰	بعد از مداخله
		P=۰/۰۰۱	P=۰/۰۱۲	Test T
=۰/۱۸۴P	۱/۳۴T=	۱۱۱/۸۸±۱۱/۰۹	۱۱۵/۰۸±۸/۶۸	نگرش کلی قبل از مداخله
۰/۰۰۲P=	۳/۲۹T=	۱۱۵/۶۵±۶/۷۵	۱۲۲/۱۱±۹/۴۳	بعد از مداخله
		<۰/۰۰۱P	۰/۰۲۱P=	Test T



ویژه، ارزش کنترل شدید و تاثیر روانی اجتماعی دیابت باعث ارتقاء نگرش کلی بیماران در گروه آزمون گردد.

در مطالعه ایمانی که به بررسی تاثیر برنامه توانمند سازی بر نگرش نسبت به بیماری دیابت نوع ۱ در ۴۰ نفر از بیماران مبتلا در دو گروه آزمون و کنترل پرداخته است بیان شده که برنامه آموزشی توانمند سازی در ۶ جلسه توانسته است موجب تغییرات مثبت در مقیاس کلی نگرش نسبت به بیماری و مقیاس های فرعی ارزشمند بودن کنترل شدید، تاثیرات روانی اجتماعی و خود مختاری در دیابت در ۱/۵ ماه بعد از مداخله در گروه آزمون گردد (۱۵). در برنامه توانمند سازی نیز مانند روش TB در کنار سهیم کردن بیمار در امر مراقبت و درمان، محور بودن بیمار و نیازهای آن مورد تاکید می باشد و خودکارآمدی بیمار مرکز توجه قرار می گیرد (۱۴). در مطالعه ای که توسط گاگلیاردینو و همکارانش در ارتباط با تاثیر آموزش بر ارتقاء نگرش بیماران نسبت به بیماری انجام شد نشان داد که آموزش منجر به ارتقاء نگرش بیماران و بالطبع ارتقاء کیفیت زندگی بیماران دیابتی می گردد (۵). نتایج تحقیقات بدرو الدین، غضنفری، رخسندرو و حیدری نیز همسو با یافته های این مطالعه می باشند (۱۶، ۱۷، ۱۸). نتایج بعضی مطالعات تاثیر آموزش بر تغییر نگرش بیماران بعد از اتمام برنامه ی آموزشی را نشان نداده اند. در مطالعه ی نازلی اتک و همکارانش (۲۰۰۸) پس از آموزش بیماران در ۲ جلسه ۴۵ دقیقه ای بر روی ۴۰ بیمار دیابتی نوع ۲ در گروه های ۷ تا ۱۲ نفره و پیگیری نگرش کلی بیماران با استفاده از پرسشنامه داس ((Diabetes Attitude Scale(DAS)) در ۳ ماه بعد از آموزش مشخص گردید که تفاوت معنی داری بین دو گروه آزمون و کنترل بعد از مداخله دیده نشده است (۱۹).

نتایج حاصل از مطالعات فوق با مطالعه ی شب بیدار و فتحی همسو (۲۰-۲۱) و با مطالعه ی حاضر متفاوت می باشد. یکی از علل این امر را می توان به دشوار بودن ایجاد تغییر نگرش

همانطور که جدول ۲ نشان می دهد نتیجه آزمون تی زوجی نشان داد که نگرش کلی هر دو گروه آزمون و کنترل در مرحله دوم اندازه گیری افزایش معنی داری داشته است که این افزایش در گروه آزمون بیشتر می باشد. علاوه بر این آزمون تی مستقل تفاوت معناداری را در نگرش کلی قبل از مداخله، در بیماران گروه آزمون و کنترل نشان نمی دهد ($p > 0.05$). در حالی که همین آزمون بیانگر تفاوت معنی دار نگرش کلی بعد از مداخله بین بیماران گروه آزمون و کنترل می باشد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که به کارگیری استراتژی ارتباطی Teach Back توانسته است باعث افزایش آگاهی و نگرش بیماران دیابتی نوع دو گردد. آگاهی بیماران گروه آزمون علاوه بر افزایش معنی داری در قبل و بعد از مداخله در همان گروه، نسبت به گروه کنترل نیز بعد از پیگیری یک ماهه افزایش معنی داری را داشته است. که این نتیجه بیانگر آموزش موثر به روش TB بر روی حفظ و پایداری اطلاعات تا یک ماه پس از مطالعه می باشد. برای آنکه یک فرد دیابتی در مراقبت از خود موفق باشد باید آگاهی لازم در خصوص رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی را داشته باشد. مطالعه ی دبرا در سال (۲۰۱۰) سودمندی به کارگیری روش TB را بر آموزش بیماران قلبی و کاهش بستری مجدد آنها بیان می کند (۱۳) در مطالعه کاندولا و همکاران (۲۰۱۱) بعد از اجرای روش TB بر روی بیماران دیابتی نوع ۲ دریافتند که حفظ و ماندگاری اطلاعات، برای گروهی که بعد از آموزش الکترونیک، روش TB را نیز دریافت کرده اند افزایش معنی داری دیده نشده است (۱۴).

نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین نگرش کلی بیماران در گروه آزمون بعد از مداخله نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی داری داشته است و آموزش به روش TB توانسته با افزایش نمره ی نگرش در مقیاس های فرعی نیاز به تعلیمات



مثبت آموزش به روش TB بر روی این مقیاس فرعی نگرش می‌باشد.

در ارتباط با مقیاس‌های فرعی تاثیر روانی اجتماعی دیابت باید اظهار داشت که تاثیر بیماری دیابت محدود به عوارض زودرس و دیررس آن از قبیل هیپوگلیسمی، عوارض عروق بزرگ و کوچک و غیره نمی‌شود، بلکه دیابت نیز مانند سایر بیماری‌های مزمن با روبرو کردن بیمار با چالش‌های متعددی از قبیل فشارهای ناشی از کنترل بیماری، رعایت برنامه‌های درمانی، مراقبت‌های پیچیده و پرهزینه، نیاز به مراجعه مکرر به پزشک و انجام آزمایش‌های مختلف و متعدد، نگرانی درباره آینده بیماری و احتمال ابتلا فرزندان، اختلال در روابط اجتماعی و خانوادگی، مشکلات جنسی، اختلال در کار و... روبرو می‌کند. به عبارتی این بیماری می‌تواند بر روی توسعه عوارض ایجاد شده، وضعیت روحی روانی و ارتباطات فردی و خانوادگی و اجتماعی تأثیرات منفی داشته باشد (۲۶).

نتایج نشان داد که دو گروه بعد از مداخله تفاوت معنا داری از نظر زیر مقیاس تاثیر روانی اجتماعی دیابت دارند. در صورتی که این تفاوت در قبل مداخله معنی دار نبوده است. علاوه بر این از نظر زیر مقیاس تاثیر روانی اجتماعی دیابت قبل و بعد از مداخله در هر گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. چندرا بیان می‌کند که برنامه‌های کارآمد آموزشی بر توانمند سازی بیماران و غلبه بر مشکلات روانی اجتماعی کمک می‌کند (۲۷، ۲۸). علاوه بر این همراهی و ارتباط مراقبین بهداشتی با بیماران و سهیم کردن بیماران در امر مراقبت از خود و یافتن افرادی که مشکلات مشابهی با بیمار دارند به وی کمک می‌کند به آرامش بیشتری دست یابد (۲۹). بالطبع اجرای برنامه‌های آموزشی با استفاده از روش‌هایی که بتواند موارد ذکر شده را در بگیرد مانند روش TB، می‌تواند موجب ارتقاء این مقیاس فرعی گردد که نتیجه‌ی فوق موید آن است.

و عوامل موثر دیگر بر آن همچون شخصیت، محیط، تجربه، خود انگاره نسبت داد (۲۲).

در ارتباط با مقیاس‌های فرعی جدیدیت و ارزش کنترل شدید دیابت چنین به نظر می‌رسد که در صورت کنترل بیشتر بر بیماری و تلاش در جهت رعایت موارد مرتبط با خود مراقبتی، بیمار خود را در این امر توانمند احساس کرده و لذا می‌تواند بر احساس خود کار آمدی تاثیر مثبت بگذارد (۲۳). از جمله موارد مطرح دیگر در مورد جدیدیت و ارزش کنترل شدید، آگاهی و ترس از عوارض دیابت می‌باشد که باعث اندازه گیری و کنترل بیشتر قند در بیماران و تاخیر و عدم بروز عوارض دیابت (جسمی، روانی، اجتماعی) می‌شود. این مسئله منجر به ایجاد نگرش مثبت در مورد ارزش کنترل شدید دیابت، ارتقاء فواید درک شده کنترل دیابت و هدایت افراد به سمت برنامه‌های آموزشی و پیگیری دیابت می‌گردد (۲۴).

مطالعات دیگری نیز نشان دادند که باورهای بیماران در مورد جدیدیت بیماری با واکنش، اقدام به عمل و پایبندی به درمان مرتبط است. به نحوی که با افزایش باور به جدیدیت بیماری پایبندی فرد به انجام رفتارهای خود مراقبتی ارتقاء می‌یابد (۲۵). در راستای مطالب فوق نتایج مطالعه ما بیانگر این است که تفاوت معنی داری از نظر معیار شدت و جدی بودن ابتلا در قبل و بعد مداخله در دو گروه آزمون و کنترل وجود ندارد. هم چنین تفاوت معنا داری بین معیار شدت و جدی بودن ابتلا به دیابت قبل از مداخله و یک ماه پس از آن در بیماران گروه آزمون و کنترل نشان نمی‌دهد.

همچنین یافته‌ها نشان داد در دو گروه آزمون و کنترل، قبل و بعد مداخله، از نظر ارزش کنترل شدید دیابت تفاوت معنی داری وجود دارد و متوسط نمره‌ی مقیاس فرعی ارزش کنترل شدید دیابت شرکت کنندگان بعد از مداخله در دو گروه یکسان نمی‌باشد. این یافته نشان دهنده‌ی تاثیر



و اولویت بندی نیازها در هنگام ترخیص، در طی مدت بستری (حتی در زمان کوتاه)، از این روش برای آموزش بیماران استفاده کنند.

درباره محدودیت های مطالعه می توان گفت که از آنجا که نگرش یاران توسط پرسشنامه تکمیل می شود ممکن است دارای خطای یادآوری باشد که از کنترل محقق خارج می باشد. علاوه بر این در این مطالعه به علت محدودیت زمانی فاصله ارزیابی بعد از مداخله یک ماه در نظر گرفته شده است که توصیه می شود در مطالعات بعدی این فاصله بیشتر در نظر گرفته شود تا نتایج بدست آمده دقیقتر باشد همچنین از انجائیکه بیماران در یک بخش بستری بودن به خاطر جداسازی بیماران دو گروه از یکدیگر و پیشگیری از نشت داده ها ابتدا افراد گروه آزمون انتخاب شدند و سپس افراد گروه کنترل انتخاب شدند. پیشنهاد می شود در شهرهای بزرگتر که در دو بیمارستان مجزا دو بخش غدد وجود دارد به خاطر دقت بیشتر و کنترل عوامل احتمالی مداخله گر مانند اثر زمان مطالعه ای مشابه با انتخاب همزمان گروه کنترل و گروه آزمون انجام گردد.

تشکر و قدردانی

این مقاله منتج از پایان نامه دانشجویی کارشناسی ارشد پرستاری است که در تاریخ ۹۲/۸/۹ با شماره ۹۱۰۸۰۹۲۸۰۸ در معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی همدان و همچنین با کد IRCT2012090710770N1 در سایت کار آزمایی بالینی ایران ثبت گردیده است. از معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی همدان جهت حمایت مالی پروژه، شورای پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی، هم چنین مسئولین و پرستاران بیمارستان شهید بهشتی همدان و بیمارانی که در این پژوهش همکاری نموده اند صمیمانه قدردانی می گردد.

تحقیقات نشان داده اند که نگرش بیماران مبتلا به دیابت خصوصاً در بعد استقلال بیمار پایین می باشد. به عنوان مثال گاگیلاردینو و همکاران جهت بررسی کادر درمان و بیماران مبتلا به دیابت در ارتباط با این بیماری مطالعه ای انجام دادند که نتایج حاصل از آن نشان دهنده ی پایین بودن نگرش بیماران نسبت به بیماری و مراقبت از آن خصوصاً در بعد مربوط به استقلال بیمار می باشد (۳۰). ارتقاء در این بعد باعث ارتقاء قدرت تصمیم گیری و پذیرش مسئولیت خود مراقبتی در بیمار می شود. فانل و همکاران در این زمینه معتقدند که برای مدیریت موفق دیابت، بیماران بایستی قادر به تنظیم اهداف و تصمیم گیری مداوم روزانه بوده و این اهداف بایستی موثر و متناسب با شیوه ی زندگی فرد باشد (۳۱)

در ارتباط با مقیاس فرعی خود مختاری در دیابت نتایج نشان داد که یک ماه پس از اجرای مداخله اختلاف آماری معناداری بین دو گروه آزمون و کنترل وجود ندارد. اما بین نمرات استقلال و خود مختاری قبل و بعد در گروه آزمون تفاوت معنی داری وجود داشت. که این تفاوت در گروه کنترل دیده نمی شود. شاید به دلیل متفاوت بودن این شیوه آموزشی و نحوه ی اجرای آن با تاکید بر محور بودن بیمار و نیازهای آنان این تفاوت معنی دار گردیده است.

نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که به کارگیری استراتژی ارتباطی شیوه ی TB با افزایش مشارکت بیمار در امر مراقبت از خود و پیگیری آن باعث ارتقاء دانش و نگرش بیماران دیابتی می گردد. با توجه به اینکه ارتباط هدفمند بیمار و پرستار از مباحث اصلی حرفه ی پرستاری است، مربیان پرستاری می توانند روش TB را به عنوان یک روش تعاملی و موثر جهت آموزش بیماران به ویژه به بیماران مزمن مانند دیابتی های نوع ۲ به دانشجویان پرستاری آموزش دهند تا دانشجویان بتوانند از آن به عنوان ابزاری برای بهبود ارتباط خود با بیماران استفاده نمایند. هم چنین پرستاران می توانند با نیاز سنجی از بیماران در زمان بستری



References

1. Lee RI, Kim Sa, Yoo JW. The Present Status Of Diabetes Education And The Role Recognition As A Diabetes Educator Of Nurses In Korea. *Diabetes Res Clin Pract.* 2007; 77(1): 199-204.
2. Mahmoudi A. Effects Of Self Care Planning On Reduction Of A1c Hemoglobin In Adults With Diabetes Mellitus. *Medical Science Journal Of Islamic Azad Univesity-Tehran Medical Branch.* 2006; 16(1): 171-6. [Persian]
3. Baraz SH, Mohammadi E, Broumand B. The Effect Of Self- Care Educational Program On Decreasing The Problems And Improving The Quality Of Life Of Dialysis Patients. *Journal of Kordestan University Of Medical Sciences.* 2006; 10(4): 69-79. [Persian]
4. Asadzandi M, Farsi Z, Mehri SN, Karimizarchi AA. Educational Intervention Focusing On Health Belief Model In Health Beliefs, Awareness And Behavior Of Diabetic Patients. *Iranian Journal Of Diabetes And Lipid Disorders.* 2006; 6(2): 7. [Persian]
5. Gagliardino JJ, Jadzinsky MN, Alvariñas JH, Fabiano A, Sereday MD, Sinay IR. Training Program For General Practitioners:Preliminary Results. *Diabetes Research Clinical Practice.* 2000; 50(1): 304-7.
6. Morovati Sharifabad M, Rouhani Tonekaboni N. The Relationship Between Perceived Benefits/Barriers Of Self-Care Behaviors And Self Management In Diabetic Patients. *Hayat.* 2007; 13(1): 17-27. [Persian]
7. Oshvandi KH, Jokar M, Khatiban M, Kiani J, Yusefzadeh M, Sultanian A. The effect of self care education based on Teach Back method on promotion of self care behaviors in type II diabetic patients: A clinical trial study. *Iranian Journal Of Diabetes And Lipid Disorders.* 2013; 13(2): 131-43. [Persian]
8. World Health Organization. *Chronic Diseases And Health Promotion*, 10 January 2007. Available From: [Http://Www.Who.Int/Chp/En./](http://www.who.int/chp/en/)
9. International diabetesfederation(Idf). *Diabetes Atlas, Prevalence Estimates Of Diabetes20-70Years.* 2007. AvailableFrom: [Http://:Www.Eatlas.Idf.Org/Atlasff5d.Html](http://www.eatlas.idf.org/atlasff5d.html)
10. Larijani B, Zahedi F. Epidemiology Of Diabetes Mellitus In Iran. *Iranian Journal Of Diabetes And Lipid Disorders.* 2002; 1(1): 1-8. [Persian]
11. Kara M, van der Bijl JJ, Shortridge-Baggett LM, Asti T, Erguney S. Cross-Cultural Adaptation Of The Diabetes Management Self-Efficacy Scale For Patients With Type 2 Diabetes Mellitus: Scale Development. *International Journal Of Nursing Studies.* 2006; 43(5): 611-21.
12. Mahjouri MY, Arzaghi SM, Qorbani M, Esfahani EN, Larijani B. Evaluation Of Psychometric Properties Of The Third Version Of The Iranian Diabetes Attitude Scale (Ir-Das-3). *Iranian Journal Of Diabetes And Lipid Disorders.* 2011; 10(1): 1-6. [Persian]
13. Pistoria M, Peter D, Robinson P, Jordan K, Lawrence S. Using Teach Back to Reduce Readmission Rates in Hospitalized Heart Failure Patients. *Lehigh Valley*



Health Network. 2010. Available at: <http://WWW.scholarlyworks.lvhn.org/medicine>

14. Kandula NR, Malli T, Zei CP, Larsen E, Baker DW. Literacy And Retention Of Information After A Multimedia Diabetes Education Program And Teach-Back. *J Health Commun.* 2011; 16(3): 89-102.

15. Imani G, Ryan M, Borhani F, Dortaj A. The Effect Of The Empowerment Program On Attitudes Toward The Disease In Patients With Type 1 Diabetes. *Journal Of School Of Nursing And Midwifery Kerman.* 2010; 10(2): 1-8. [Persian]

16. Ghazanfari Z, Ghofranipour F, Tavafian S, Ahmadi F, Rajab A. Lifestyle Education And Diabetes Mellitus Type 2: A Non-Randomized Control Trial. *Iranian Journal Of Public Health.* 2007; 36(2): 68-72. [Persian]

17. Badruddin N, Basit A, Hydrie MZI, Hakeem R. Knowledge, Attitude And Practices Of Patients Visiting A Diabetes Care Unit. *Pakistan Journal Of Nutrition.* 2002; 1(2): 99-102.

18. Heydari G, Moslemi S, Montazerifar F, Heydari M. Efficacy Of Education On Knowledge, Attitude & Practice Of Type Ii Diabetic Patients In Relation To Correct Nutrition. *Tabib-E-Shargh.* 2003; 4(4): 207-13. [Persian]

19. Atak N, Kose K, Gurkan T. The Impact Of Patient Education On Diabetes Empowerment Scale (Des) And Diabetes Attitude Scale (Das-3) In Patients With Type 2 Diabetes. *Turkish Journal Of Medical Sciences.* 2008; 38(1): 49-57.

20. Shabbidar S, Fathi B. Effects Of Nutrition Education On Knowledge And

Attitudes Of Type 2 Diabetic Patients. *Journal Of Birjand University Of Medical Sciences.* 2007; 14(1): 9-15. [Persian]

21. Clarke J, Crawford A, Nash DB. Evaluation Of A Comprehensive Diabetes Disease Management Program: Progress In The Struggle For Sustained Behavior Change. *Disease Management.* 2004; 5(2): 77-86.

22. Maksud J. Management Attitudes. 1st ed. Tehran: Fara Publication; 2010. [Persian]

23. Baraz SH, Mohammadi E, Broumand B. The Effect Of Self- Care Educational Program On Decreasing the Problems And Improving the Quality Of Life Of Dialysis Patients. *Hayat.* 2005; 11(2,1): 51-62. [Persian]

24. Pinto SL, Lively BT, Siganga W, Holiday-Goodman M, Kamm G. Using The Health Belief Model To Test Factors Affecting Patient Retention In Diabetes-Related Pharmaceutical Care Services. *Res Social Adm Pharm.* 2006; 2(1): 38-58.

25. Heisler M, Piette JD, Spencer M, Kieffer E, Vijan S. The Relationship Between Knowledge Of Recent HbA1c Values And Diabetes Care Understanding And Self-Management. *Diabetes Care.* 2005; 28(4): 816-22.

26. Lustman PJ, Anderson RJ, Freedland KE, De Groot M, Carney RM, Clouse RE. Depression And Poor Glycemic Control: A Meta-Analytic Review Of The Literature. *Diabetes Care.* 2000; 23(7): 934-42.

27. Kela R, Srinivasan B, Davies M. Glycaemic Management Of Type 2 Diabetes. *Medicine.* 2010; 38(1): 618-25.



The Effect of Teach-back Communication Strategy on Improving Attitude Components of Type II Diabetic Patients: A Clinical Trial Study

Jokar Mozghan¹, Oshvandi Khodayar², Seifi Zahra³, Paki Somayeh^{4*}

- 1- MSc of Nursing (Internal-Surgical Speciality), Department of Operating Room, Faculty of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran
- 2- Assistant Professor, Mother and Child Care Research Center, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran
- 3- MSc of Nursing (Internal-Surgical Speciality), Department of Operating Room, Faculty of Nursing and Midwifery, Larestan University of Medical Sciences, Larestan, Iran
- 4- MSc of Nursing (Community Health Speciality), Department of Community Health Nursing, School of Nursing and Midwifery, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

*Corresponding Author: Somayeh Paki, Isfahan University of Medical Sciences E-mail: Somayeh.paki@nm.mui.ac.ir

Abstract

Introduction: Given the chronic nature of diabetes and the fact that these patients encounter care problems on a daily basis, fostering attitudes of type II diabetes patients is of paramount importance. Herein, we aimed to evaluate the effect of teach-back communication strategy on improving attitude components of type II diabetes patients.

Materials and Methods: This clinical trial was performed on 70 type 2 diabetic patients, who were randomly divided into experimental (n=35) and control (n=35) groups. Teach-back communication strategy was taught to patients in the intervention group during four sessions. Information was collected one month before and after the educational intervention through questionnaires, interviews, and self-report. To analyse the data, paired t-test, independent t-test, and Chi-square were run, using SPSS version 20.

Results: The results showed that general attitude of both experimental and control groups significantly increased in the second phase of measurement. Independent t-test did not reflect a significant difference between the two groups in terms of general attitude of the patients before the intervention ($P>0.05$). However, this test indicated a significant difference between the groups in general attitude after the intervention ($P<0.05$).

Conclusion: Considering the fact that the relationship between patient and caregiver is one of the most important issues of nursing profession, it can be said that the use of patient-centred communication techniques (such as teach-back) can improve patients' attitude, and in turn, result in positive outcomes of care.

Keywords: Type II diabetes, Self-care, Teach Back

Access This Article Online

Quick Response Code:

Website: www.zbmu.ac.ir/jdn



How to cite this article:

Jokar M, Oshvandi K, Seifi Z, Paki S. The Effect of Teach-back Communication Strategy on Improving Attitude Components of Type II Diabetic Patients: A Clinical Trial Study. J Diabetes Nurs. 2016; 4 (4) :30-42

